

می‌نویسد: این قِیم از ترجمه‌های عربی برخی آثار دانشمندان بزرگ یونانی استفاده کرده است. مثلاً، از طبیبانی مانند سقراط (۴۶۰ تا ۳۶۰ پ.م) در بیماری‌های حاد (در فصل ۲۸) و پیش‌بینی علائم مرضها (در فصل ۳۵)، جالینوس (۱۲۹ تا ۱۹۹ م) دربارهٔ تبها (در فصل ۳) یا کاربرد انجیر (تین) و شاهی یا ترتیزک (حُرف) در بخش «ادویه و اغذیه» کتابش نقل می‌کند.

همچنین از آثار یوحنا بن ماسویه (۷۷۷ تا ۸۵۷ م)، یعقوب بن اسحاق کندی (حدود ۸۷۳)، ثابت بن قُره (۸۲۶ تا ۹۰۰ م)، علی بن عباس (مرگ ۹۴۴ م)، ابو عبدالله محمد تمیمی (مرگ ۹۸۰ م)، اسحاق بن سلیمان (۸۵۵ تا ۹۵۰ م)، شرف‌الدین علی کَحّال (مرگ پس از ۱۰۱۰ م)، ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی (مرگ ۱۱۱۰ م) و ابوالحسن علی بن رضوان (مرگ ۱۰۶۸ م) بهره گرفته بوده است.

این قِیم از آثار دو فیلسوف و پزشک بزرگ ایرانی، ابوبکر محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا استفاده و نقل کرده است. خانم جانستن این دو دانشمند ایرانی را مشهورترین پزشکان فیلسوف عرب [!] خوانده است. این اشتباه به سبب تبلیغات در جوامع عربی یا به زبان عربی بودن آثار آنان بوده است. این قِیم در فصل ۲ کتاب دربارهٔ «تبها» و در چند جای دیگر کتاب از الحاوی فی الطب رازی و در موارد زیادی (از جمله «حجاست» در فصل ۸) از قانون ابن سینا استفاده کرده است. مترجم در مبحث «پزشکان اندلسی» به نقل برخی نظرها و دستورها از آثار سه پزشک معروف اندلسی، ابن جُلجُل (مرگ ۹۹۴ م)، ابن سَمَجون، پزشک داروشناس اهل قرطبه و معاصر جلجل و ابوجعفر احمد غافقی (مرگ ۱۱۳۵ م) در طب نبوی اشاره دارد و می‌نویسد: این قِیم دوبار، یک‌بار در مورد سواک (مسواک) و یک‌بار دیگر در مورد نرجس (نرگس) از کتاب التیسیر فی المداواة والتدبیر (راهنمای عملی درمان و پرهیز)، نوشتهٔ ابن زُهر، ابومروان عبدالملک اشبیلی (مرگ ۱۱۶۲ م) استفاده کرده است.

خانم دکتر جانستن در ترجمهٔ متن عربی طب نبوی به انگلیسی، دشواریهایی در یافتن و قراردادن اصطلاحهای انگلیسی معادل با اصطلاحهای طبی عربی داشته است. او بیشتر اصطلاحات طبی انگلیسی در متن ترجمه را از لغت‌نامه‌های شرف^۹ و حتی^{۱۰} گرفته و کوشیده است تا نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین اصطلاحهای انگلیسی را در برابر اصطلاحهای طبی رایج در زمان این قِیم

حاشیه:

9) Sharaf, M. *An English-Arabic Dictionary of Medicine, Biology, and Allied Science*, Cairo, 1926.

10) Hitti, Y.K., *Hitti's Medical Dictionary English-Arabic*, Beirut, 1972.

برگزیند تا بتواند مفاهیم را به خوانندهٔ انگلیسی به آسانی انتقال دهد. او چند مورد را مثال می‌زند. مثلاً می‌نویسد این قِیم در مورد بیماری‌های پوستی، اصطلاحهای رایج و عمومی آن زمان «برص»، «بَهَق»، «جذام» و «داء الفیل» را به کار برده است. دانشمندان اروپایی، همچون نویسندگان عرب دوران اولیهٔ اسلامی، بخصوص دربارهٔ دو اصطلاح برص و بهق، اختلاف و جدل دارند. از این رو، برای بهره‌گیری از آرای اجماع علما در برابر «برص»، vitiligo «بَهَق»، leukoderma «جذام»، leprosy و «داء الفیل»، elephantiasis را برگزیده است. همچنین، این قِیم برای توصیف دردی که در ناحیهٔ پردهٔ جَنب عارض می‌شود، سه اصطلاح «ذات‌الجنب»، «بَهو» (درد قفسهٔ سینه) و شوصا را به کار می‌برد. مترجم اصطلاح علمی pleurisy را برای هر سه اصطلاح به کار می‌برد.

چگونه باید رفتار کنیم؟

گفتگوی دانش‌آموزان دربارهٔ اخلاق

رحمان افشاری (برلین)

Wie sollen wir handeln? Schülergespräche über Moral. Ernst Tugendhat, Celso Lopes. Ana Maria Vicuna. Stuttgart. Reclam. 2000. 173 S. ISBN: 3-15-018089-9. DM 8.00.

افلاطون نخستین فیلسوفی است که آرای فلسفی خود و استادش سقراط را در قالب گفتگو به رشتهٔ تحریر درآورده است. این شیوهٔ بیان را بعدها در اینجا و آنجا و نزد فیلسوفانی چون بارکلی نیز می‌بینیم. فیلسوفان ایرانی، به‌ویژه آنجا که بیان مطلب مخاطره‌آمیز بوده است، از زبان داستانی و رمزی سود برده‌اند که از آن میان می‌توان نمونه‌وار به روزی با جماعت صوفیان و عقل سرخ از سهروردی، داستان سلمان و اِسال از ابن‌سینا، حیّ بن یقظان از ابن طفیل و ابن‌سینا اشاره داشت. ژان پل سارتر نیز برخی آثار فلسفی خود را در قالب داستان و نمایشنامه ریخته است که هم از نظر فلسفی و هم از نظر ادبی جایگاهی ممتاز دارند.

در سالهای اخیر کتابی با نام دنیای سوفی انتشار یافت که به

تحلیلی و مسائل کلاسیک فلسفه پیوند برقرار کند. از همین روست که موضوعات وجودشناسی و معرفت‌شناسی یکی از مشغله‌های فلسفی او بوده است. از ویژگی‌های توگندهاها تأکید او بر اخلاق است و تاکنون چندین کتاب و رساله در این باره منتشر کرده است که از آن میان می‌توان به مسائل اخلاق (۱۹۸۴)، اخلاق و سیاست (۱۹۹۲) و درسگفتارهایی درباره اخلاق (۱۹۹۳) اشاره کرد.

کتاب چگونه باید رفتار کنیم؟ گفتگوی دانش‌آموزان درباره اخلاق، همچنانکه از نامش پیداست، کتابی است درباره اخلاق برای دانش‌آموزان از این فیلسوف بلندآوازه. وی این کتاب را به سال ۱۹۹۵ و در ایامی که در شیلی تدریس می‌کرد برای درس اخلاق در مدارس شیلی نوشت. این کتاب با همکاری سه تن فراهم آمده است: توگندهاها استدلال‌های فلسفی کتاب را پروراندند. لوبز آن استدلال‌ها را به قالب داستان ریخته است و آنا ماریا ویکونا مطالب را به زبانی درآوردده است که برای دانش‌آموزان قابل فهم باشد. حاصل کار کتابی شده است که فلسفه اخلاق را داستان‌وار برای دانش‌آموزان شرح می‌دهد. این کتاب در سال ۱۹۹۸ ابتدا به زبان اسپانیایی در شیلی منتشر شد و سپس ترجمه آلمانی آن زیر نظر خود توگندهاها در سال ۲۰۰۰ روانه کتابفروشیهای آلمان گشت.

کتاب با فصل «بزرگترین جنایت چیست؟» آغاز می‌شود. مانوئل، نوجوانی دانش‌آموز، که سرگرم انجام دادن تکلیف‌های مدرسه است، از طریق تلویزیون در جریان خبر یک قتل قرار می‌گیرد. همین خبر، دستمایه بحثی فلسفی درباره اخلاق می‌شود. وی ابتدا موضوع را در خانواده و با پدر و مادر و عموی خود و سپس با سایر دوستان و همشاگردیهایش و سرانجام با آموزگاران خود در میان می‌گذارد. پرسش اصلی همان است که عنوان این فصل را تشکیل می‌دهد: اگر قتل نفس بزرگترین جنایت است، علت آن چیست؟ و چرا ما این عمل را محکوم می‌کنیم؟ پاسخهایی که به این پرسش داده می‌شود و بحثهایی که درباره آن صورت می‌گیرد همه در قالب داستان و از زبان خود دانش‌آموزان یا خویشاوندان یا آموزگاران آنان بیان می‌شود. این شیوه بیان را در

حاشیه:

۱) کتابشناسی دو ترجمه فارسی آن بدین قرار است: دنیای سوفی: داستانی درباره تاریخ فلسفه. نوشته یوستاین گارد. برگردان کورش صفوی. تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ۱۳۷۴. ۶۵۶ص؛ دنیای سوفی: داستان درباره تاریخ فلسفه. نوشته یوستاین گارد. ترجمه حسن کامشاد. تهران. انتشارات نیلوفر. ۱۳۷۷. ۶۰۸ص.

2) *Der Wahrheitsbegriff bei Husserl und Heidegger.*

3) *Selbstbewußtsein und Selbstbestimmung, Sprachanalytische Interpretationen.*

بیشتر زبانها ترجمه شد و حتی دو ترجمه فارسی از آن در دست است.^۱ نویسنده این کتاب یوستین گارد، تاریخ فلسفه را داستان‌وار و با زبانی شیرین برای دختری به نام سوفی شرح می‌دهد. استقبال از این اثر چنان گسترده و فراگیر بود که این کتاب را به کتاب درسی مدارس برخی از کشورها از جمله آلمان تبدیل کرده است.

کتاب چگونه باید رفتار کنیم؟ گفتگوی دانش‌آموزان درباره اخلاق نیز در شمار چنین کتابهایی است که فلسفه اخلاق را با زبانی ساده و در قالب داستان برای دانش‌آموزان باز می‌گوید. مؤلف کتاب، ارنست توگندهاها (Ernst Tugendhat)، گرچه در ایران شناخته شده نیست، اما همانند یورگن هابرماس و هانس-گئورگ گادامر از فیلسوفان بزرگ زنده آلمان به‌شمار می‌رود. توگندهاها در سال ۱۹۳۰ در شهر برون (Brünn)، که اکنون برنو (Brno) خوانده می‌شود و جزو خاک جمهوری چک است، زاده شد. تحصیلات دوره ابتدایی را در همانجا و سپس در سوئیس گذراند. با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱ همراه خانواده راهی کاراکاس ونزوئلا شد. دوره متوسطه را در دبیرستانی سپری کرد که در آن به دو زبان انگلیسی و اسپانیایی تدریس می‌شد. در سال ۱۹۴۶ وارد دانشگاه استنفورد کالیفرنیا شد. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ میلادی به تحصیل فلسفه و زبانهای یونانی و لاتین در دانشگاه فرایبورگ آلمان پرداخت و موفق به اخذ درجه دکترا شد. رساله استادی خود را با نام مفهوم حقیقت در نزد هوسرل و هایدگر^۲ نوشت و از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۵ استاد فلسفه دانشگاه هایدلبرگ و در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ استاد فلسفه دانشگاه آزاد برلین بود. از سال ۱۹۹۲ به تدریس در دانشگاه سانتیاگو شیلی پرداخت و گهگاهی نیز استاد میهمان دانشگاههای زوریخ و وین بود. وی اکنون در شهر توینگن آلمان زندگی می‌کند.

توگندهاها ابتدا به پدیدارشناسی مکتب هوسرلی-هایدگری روی آورد. اما از همان دوران مایه‌های انتقادی را در آثارش می‌توان دید. بعدها از این مکتب فلسفی روی گرداند و به فلسفه تحلیلی زبان دل بست و در این زمینه آثاری چون مقدمه‌ای بر فلسفه تحلیلی زبان (۱۹۷۶) که شامل درسگفتارهای اوست و نیز خودآگاهی و خودسامانی، تفسیرهای تحلیلی زبان^۳ (۱۹۷۸) را انتشار داد. وی اکنون یکی از مهمترین نمایندگان این نحله فلسفه در آلمان به‌شمار می‌رود. کوشش او این بوده است تا میان فلسفه

خوب و برخی دیگر بدند. کتابدار مدرسه پس از تأیید حرفهای آن دو می‌افزاید که در امر اخلاق باید راه اقتدارمنشانه را به کناری نهیم و به اخلاق خودآئین بازگردیم. کانت نیز بر همین نظر است. به اعتقاد او هرکس اخلاق را بر شالوده فرمانهای الهی بنا نهد، دیگرآئینی را پایه اخلاق و رفتار خود قرار داده است و این بزرگترین خطای فیلسوفان پیشین بوده است.^۴ ایبارا ضمن گفتار خود اصطلاح خودسامانی یا خودتعیینی (Selbstbestimmung) را به کار می‌برد که در عنوان یکی از کتابهای توکندهات نیز آمده است. انسان خود مسئول سرنوشت خویش است و باید آزادانه و مستقلانه درباره کارهایش تصمیم بگیرد. به عبارت دیگر، انسان است که خود قواعد اخلاق را بنیان می‌نهد. انسان هم واضع و هم تابع قوانین اخلاق خویش است. از همین روست که اخلاق در دوران معاصر با آزادی پیوندی گسست‌ناپذیر یافته است.

گفتگوی دانش‌آموزان با کتابدار پیر مدرسه سرانجام به این اصل کلی یا قاعده زرین اخلاق منتهی می‌شود که همگی ما با صورتهای گوناگون آن آشناییم: «اکنون همه آن کارهایی را که می‌خواهی دیگران در حق تو انجام دهند، تو نیز در حق دیگران انجام ده!» (انجیل متی، ۷، ۱۲) یا «چیزی را که نمی‌خواهی دیگران در حق تو انجام دهند، در حق دیگران انجام مده!» که یادآور سخن حکیمانه آنچه به خود نپسندی به دیگران می‌پسند است. اندیشمندان ایرانی این معنا را به زبانهای گوناگون در آثار خود بیان کرده‌اند:

هرچه بر نفس خویش نپسندی

نیز بر نفس دیگران می‌پسند (سعدی)

هر آن چیز کانت نیاید پسند

تن دوست و دشمن بدان در میند (فردوسی)

آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین

چون پسندی بر برادر ای امین (مولوی)

کانت نیز این اصل را در کتاب بنیانگذاری مابعدالطبیعة اخلاق بدین صورت بیان می‌کند: «تنها مطابق آن دستوری رفتار کن که هم‌هنگام بتوانی اراده کنی که آن دستور به یک قانون کلی تبدیل شود.»^۵

بچه‌ها در طول گفتگو با کتابدار پیر مدرسه درمی‌یابند که نشانه

حاشیه:

(۴) بنگرید به: فلسفه کانت. نوشته اشتفان کورنر. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران. خوارزمی. ۱۳۶۷. ص ۲۲۲.

5) Immanuel Kant. *Kritik der praktischen Vernunft. Grundlegung zur Metaphysik der Sitten*. Frankfurt am Main: Suhrkamp, 1996. S. BA 52=51.

همه جای کتاب می‌توان دید و پرسشهایی چون «چرا دزدی ناپسند است؟»، «چرا دیگری را نباید آزار داد یا شکنجه کرد؟»، «چرا نباید کسی را فریب داد؟»، «چرا باید به عهد خود وفا کرد؟»، «تقوا و خودمختاری چیست؟». این سؤالاها در سراسر کتاب دیده می‌شود. مکان بحثها یا خانه است، یا کلاس درس، یا حیاط مدرسه و یا کتابخانه.

در فصل پنجم، قاعده زرین اخلاق و احترام به دیگری به بحث و گفتگو گذارده می‌شود که در واقع جانمایه اصلی کتاب است. در این فصل بچه‌ها به سراغ کتابدار مدرسه، که به نظر می‌رسد نمادی از توکندهات باشد، می‌روند و او از اصل کلی یا قاعده زرین اخلاق برای آنان داد سخن می‌دهد. ایبارا (Ibarra)، کتابدار پیر مدرسه، همانند کانت، فیلسوف شهیر آلمانی، اخلاق را به دو دسته تقسیم می‌کند: اخلاق خودآئین و اخلاق دیگرآئین یا آمرانه؛ اخلاق خودآئین اخلاقی است که بر داوری خرد آدمی متکی است و از عقل عملی دستور می‌گیرد و اخلاق دیگر آئین، اخلاقی است که بر پایه دستور دیگری استوار است و مرجع آن بیرون از خود انسان قرار دارد. در اخلاق نوع نخست، امری خوب یا بد است که باطن انسان، وجدان یا عقل، فی نفسه به خوبی یا بدی آن فرمان دهد. در اخلاق نوع دوم امری نیک یا بد است که مرجعی بیرون از انسان، خواه این مرجع پدر و مادر باشد یا بزرگان جامعه یا کتاب مقدس، آن را تعیین کند. از این روست که به نظر ایبارا اخلاق نخست مبتنی بر آزادی است و اخلاق دوم بر اقتدار متکی است. اما گفتار ایبارا، مانوئل را قانع و راضی نمی‌کند و او مایل است تا درباره اقتدار خداوند مطالبی از زبان کتابدار مدرسه بشنود. مانوئل می‌پرسد، اگر بگوئیم که خداوند عملی را نهی کرده است، آیا این را نباید بخودی خود دلیلی قوی برای خودداری ما از دست یازیدن به آن دانست؟ کتابدار سالخورده به‌وی پاسخ می‌دهد: معنای سخن تو این است که خداوند به شیوه‌ای دلخواه معین کرده است که چه چیز خوب و چه چیز بد است. لیکن ما نباید چیزی را خوب بدانیم، چونکه امر خداوند است، بلکه برعکس خدا ما را به انجام آن فرمان داده است، چون که آن چیز خوب است. کامیلا، همشاگرد مانوئل، می‌گوید: بنابراین معلوم می‌شود که تنها ارجاع دادن به اوامر خداوند کافی نیست، اگر ندانیم که چرا فرمانهای خدا خوبند. و مانوئل سخن او را پی می‌گیرد که معنای این سخن آن است که ما با تکیه بر اخلاق دیگرآئین و با استناد به کتاب مقدس موفق نمی‌شویم دلیلی ارائه دهیم که برخی از کارها

دستگاه خلافت عباسی

در قرنهای سوم و چهارم

Dominique Sourdel. *L'Etat impérial des califes abbassides, VIII^e-X^e s.* Paris, PUF, "Islamiques", 1999, 264p.

دومینیک سوردل. دولت امپراتوری خلفای عباسی در قرنهای دوم تا چهارم ق. پاریس. انتشارات دانشگاهی فرانسه. مجموعه «اسلام». ۱۳۷۸. ۲۶۴ ص.

«انتشارات دانشگاهی فرانسه» مجموعه‌ای منتشر می‌کند با عنوان «اسلامیا» یعنی «مطالعات اسلامی» که خانم دومینیک سوردل یکی از مدیران آن است. هدف از نشر این مجموعه این است که «به عامه خوانندگان آگاهی‌هایی داده شود بی‌آنکه دقت و قاطعیت خدشه بردارد». اما تصور نمی‌رود که در کتاب حاضر این هدف برآورده شده باشد زیرا که دقت اطلاعات و فراوانی آنها مانع دستیابی به یک مؤلفه می‌شود، مگر در مقدمه و در نتیجه‌گیری که هر دو فشرده‌اند.

دوره‌ای که مورد مطالعه قرار دارد شامل دو قرن از عصر طلایی خلافت عباسی است یعنی از ابتدای بنیانگذاری این سلسله در سال ۱۳۲ (۷۴۹ م) تا آغاز افول آن در سال ۳۲۵ (۹۴۶ م) که اداره امور در بغداد و نقاط دیگر به دست آل بویه افتاد. مؤلف، این دو قرن عظمت خلافت عباسی را به سه مرحله تقسیم می‌کند: (۱) به قدرت رسیدن عباسیان و شکل‌گیری خلافت (۱۳۲ تا ۱۹۴)؛ (۲) دوره بحرانی و استقرار دوباره (۱۹۴ تا ۲۹۶)؛ (۳) دوره پراکندگی.

مهم‌ترین دستاورد کتاب این است که نقش دستگاه خلافت عباسی را در شکل‌گیری و سربرآوردن تمدنی که مسلمانان آن را «عصر طلایی» می‌نامند روشن می‌کند و نشان می‌دهد که این نقش نسبی بوده است نه مطلق. البته این امر حقیقت دارد که عباسیان که وارث فتوحات امویان بودند این شایستگی را داشتند که آن امپراتوری وسیع را سامان دهند و اعضای پراکنده آن را در زیر لوای یک حکومت مرکزی واحد گرد آورند. و مؤلف همین را کار خلاق خلفای عباسی می‌داند.

البته ایجاد تمرکز خود به خود انجام نمی‌گرفت. باید آن گسترده‌گی و تنوع مهار می‌شد. اما از همان آغاز کار خلافت عباسی اداره‌منتهی‌الیه غربی امپراتوری از دست بغداد بیرون رفت و

شناخت عمل غیر اخلاقی، پیروی نکردن از این دستور کلی است. دستوری که نه از سوی مرجعی خارجی بلکه از عقل عملی صادر شده است. زیرا این آیه انجیل نیز، به اعتقاد ایبارا، قبلاً در سخنان پیشینیان آمده است. این آیه در کتاب مقدس تنها به ما کمک می‌کند تا اهمیت آن را دریابیم. به گفته یکی دیگر از آموزگاران مدرسه مانوئل، رسالت پیامبران این بوده است که قاعده کلی یا زرین اخلاق را، که قبلاً در سخنان پیشینیان آمده است، تا آنجا که ممکن است به گوش همه جهانیان برسانند. اما به نظر کانت، این بدان معنا نیست که باید این سخنان را بی‌دلیل پذیرفت یا اصل و سرچشمه آن را فراموش کرد. این سخنان ممکن است سبب آگاهی ما از اصل کلی یا قاعده زرین اخلاق شوند، ولی سبب آگاهی از آن را نباید با سرچشمه‌ای که این قاعده از آن اخذ می‌شود اشتباه کرد. (فلسفه کانت، ص ۳۰۱). سرچشمه قاعده زرین اخلاق همانا عقل عملی انسان است.

کتاب با فصل «معنای زندگی» پایان می‌یابد. در این فصل این پرسش مطرح می‌شود که «زندگی چیست و چسان باید زیست؟» پاسخی که به این پرسش داده می‌شود، پاسخی آزادمنشانه است: معیارها و هنجارهای اخلاقی، مرزهایی را می‌سازند که کسی نباید آن مرزها را خدشه‌دار کند. اما هرکس می‌تواند با کار و کوشش خود معنای زندگی خود را به دلخواه در درون همین مرزها بیابد و به پرسش سترک «زندگی چیست و چسان باید زیست؟» پاسخی دلخواه دهد. هیچ الگو و متل اعلانی برای زندگی، حتی زندگی قدیسان و راهبان و زاهدان و عارفان را نباید الگویی فرض کرد که ما را موظف و مکلف به پیروی از آن کند. انسان آزاد است تا مطابق میل و خواست خود در درون مرزهای اخلاق، شیوه زندگی خود را به هر نحو که صلاح بداند برگزیند.

کتاب چگونه باید رفتار کنیم؟ گفتگوی دانش‌آموزان درباره اخلاق از سوی انتشارات آلمانی رکلام در ۱۷۳ صفحه و با بهایی اندک (۸ مارک) در اختیار دانش‌آموزان و علاقمندان به فلسفه اخلاق قرار گرفته است. این کتاب اگر چه از جنبه داستانی به قوت کتاب دنیای سوفی نیست، اما از آنجا که مهمترین مسائل اخلاق خودآئین را با زبانی ساده و استدلالی عرضه کرده است، سزاوارتر ترجمه است. از این رو همتی می‌طلبد تا این کتاب نیز همانند دنیای سوفی به فارسی برگردانده شود و در دسترس نوجوانان ایرانی قرار گیرد.